

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والمفتی کہ دین آوان سعادت تو امان رسالہ متبرکہ
مستفہ بہ

تنسیخ الاصفیاء حیات الانبیاء

مستفہ

مقبول بارگاہ ایزدی مولانا مشتاق احمد صاحب بیٹری
چشتی صابری مستفہ تحصیل المنال وغیرہ حسب الارشاد
فیض بنیاد جناب مولوی عبدالسلام صاحب مفتی شملہ و جناب

پیر جی حبیب صاحب ایام مسجد شملہ
سلاطین
بہارِ عالمین سادہ طوراً سے ضلع آبنائے حیات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على الرسول سيدنا محمد وعلى آله
 وصحبه أجمعين دائما أبدا إلى يوم الدين أما بعد سراب تصور ولام مشتاق
 نام حساب ابرار بعض دوستان فی عبارت در اثبات حیات جمیع انبیاء بعد از وفات لا سیما
 اثبات حیات افضل الانبیاء سید الکائنات شرف المخلوقات علیه السلام الف صلوات و تحیات
 در قریب نگر دو هر چه بقصص اخبار صحیح و آثار قویه در فهم این حقیر البریه ممکن شده است آنرا
 بزبان مسلم بسیار دیر و اولاً بدانکه مسأله حیات انبیاء متفق علیه بوده است قدیما و حدیثا ما بین جمهور
 از محدثین فقهاء و مجرمان علامه ثقی الدین ابن تیمیة و تلمیذ ایشان علامه شمس الدین ابن قیم و پیش
 پیروان ایشان که درین بیان در بلاد هندوستان پیدا شده اند کسے عالم معتبر و فاضل مستند
 ابن سنانکرده و نه در خلافتش قلم بر دهشته خاکسار و لا احادیث ثبوت حیات نقل میکند بعد
 از آن همه خدشات و اعتراضات مخالفین یا از بیخ و بن میکند بجلالت و توفیق فاقول
 در سنن ابن ماجه در باب وفاته انسب از اوسل بن اوس صحابی رضی الله تعالی عنه مرویست
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهَا
 خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ الْخُلُقَةُ وَفِيهِ الصُّعْقَةُ فَأَكْثَرُ مَا عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ
 صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَعْرِضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ
 وَقَدْ أَرَمْتُ يَعْنِي بَلَيْتُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ جَسَادَ الْأَنْبِيَاءِ
 انتهى درین حدیث حضرت سرور انبیاء خواجہ ہر دو سر اصل علیہ السلام ارشاد فرمایند کہ روز جمعہ
 بسیار درود بفرستید بر من در آن پیدا کرده شد آدم و ہمدین روز فتح اولی و ثانیه خواهد
 بدرستی کہ درود شما پیش کردہ شود بر من شخصی عرض کرد و چطور درود ما بیان نزد آنحضرت

ابن ماجه صفحہ ۱۱۹

پیش کرده خواهد شد حال آنکه آنجناب بوسید یعنی خاک شده باشند حضرت بنی صلی الله علیه و سلم در
 جوارش فرمودند بدستیکه خدا تعالی بر زمین خوردن اجساد انبیاء حرام کرده است و بهرین صفت
 در سنن ابن ماجه حدیثی دیگر از ابی الدرداء صحابی رضی الله عنه تفسیر سیرت بهمین معنی آمده
 و در آن حدیث این قدر جمله زیاده مروی شده است **قَتَبَنيَ اللهُ حَتَّى يُزَوِّقَنيَ نَبِيَّ اللهِ**
 زنده میباشد و رزق داده میشود و در حدیثی دیگر از ابی الدرداء صحابی رضی الله عنه در حدیث اول
 مابین صحابی و ابن ماجه چهار راوی واقع اندیکه ابوبکر ابن ابی شیبه دوم حسین بن علی
 سیوم عبد الرحمن بن یزید چهارم ابوالاشعث نسبت راوی دوم در تقریب کلام صدق
 نوشته و هر سه باقی را ثقه گفته و در روایت دوم مابین ابی الدرداء صحابی رضی الله عنه
 و ابن ماجه ششم اسطره واقع شده اندیکه عمر بن سواد دوم عبد بن وهب سیوم عمر بن
 اسحاق این هر سه را در تقریب ثقه گفته است چهارم سعد بن ابی بلال پنجم زید بن اسیم
 ششم عباده بن نسی چهارم را صدوق پنجم را مقبول ششم را ثقه فاضل نوشته و
 در فضائل آخرین علامه جلال الدین سیوطی در کتاب شرح الصدور حدیث ندارد از سنن ابی
 داود و حاکم هم مابین الفاظ نقل میکنند و آخر هم ابوداؤد و الحاکم عن اوس بن اوس
قَالَ كُلُّ رَسُولٍ اَللّٰهُ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَكْثَرُ اَمِنْ الصَّلَوةِ عَلَيَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ
فَاِنْ صَلَّوْا كُمْ مَعْرُوضَةً عَلَيَّ قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَكَيْفَ تُعَرِّضُ صَلَواتَنَا عَلَيَّ
وَقَدْ اَرَمَتْ بَيْنَ بَلَيْتٍ فَقَالَ اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ عَلَيَّ اَجْسَادَ الْاَنْبِيَاءِ وَدَر
 ترغیب ترمذی فقط عبد العظیم حدیث اوس بن اوس را از نسائی و ابن جبان هم خارج کرده و
 سرآمد ششم علامه شهاب الدین قسطلانی در مواهب لدنیة انبیاء و غیره مابین الفاظ روایت
 میکند و قد روی البیہقی و صحیحة من حدیث انس ان رسول الله صلی الله علیه و سلم
قَالَ اَلْاَنْبِيَاءُ اَحْيَاءٌ يُصَلُّونَ فِي قُبُورِهِمْ ترجمه - روایت ست از انس رضی الله عنه
 تحقیق رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود انبیاء در قبور خود زنده هستند نماز میکنند و استجابت
 و از شرح الصدور معلوم میشود که علاوه بر بیہقی ابویعلی و ابن مندہ نیز حدیث ندارد روایت کرده
 اخبار کند و آخر هم ابویعلی و البیہقی و ابن مندہ عن انس ان النبی صلی الله علیه و سلم

خارج الصدور
صفحه ۱۸۱

مطبوعه
چاپخانه مطبوعه

قال لا انبياء احياء في قبورهم كيملون - انتهى - ودر مواهب حديث سبقي نقل کرده
حديثي از صحيح مسلم آورده ميگويد كه شواهد في صحيح مسلم منها قوله صلى الله عليه
وسلم مررت بموسى وهنوقا كذا يصلي في قبره - يعني ميفرمايد حضرت نبي صلى الله عليه
وسلم گذشتم بر موشى و او در قبر خود ايستاده نماز ميگذازد - انتهى - خاكسار كاتب الحروف
ميگويد كه صحيح مسلم در باب الاسرار حديث ديگر منبث حيات انبيا موجود است و چنانكه بين حديث
نقل کرده صاحب مواهب بر نماز گذاردن حضرت موسى عليه نبينا و عليه الصلوة والسلام
ولالت مبداء و از ان حديث مناسب جم ادا نمودن از حضرت موسى و حضرت يونس عليهم السلام
ثابت ميشود و هونذا عن ابن عباس رضي الله تعالى عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم
متر يوازي الارزق فقال اي واد هذا افقا كذا ادا دى الا نزل قال كاني انظر الى
موسى هابطا من الجنة وله جوارح الى الله يا قليبي ثم اتي على طرفة شاف فقال اي ثنية هاهنا
قالو ثنية قهر شاف قال كاني انظر الى يونس بن متى اعلى لنافقه حمراء جعله عليه جنة من
صوفي خطام فاقنه خلبة وهو يكي قال ابن حنبل في حديثه قال هينثم يعني ليها كذا
ترجمه روايت است از ابن عباس رضي الله تعالى عنه بدست يك رسول الله صلى الله عليه وسلم
بر وادي الرزق گذشت تنه پس فرمودند اين كدام وادي است صحابه عرض كردند وادي الرزق
است حضرت نبي صلى الله عليه وسلم فرمودند گوياء كه مي نيم موشى را كه فرود مي آيد از نشينه خداست
البتك ميگويد پسر سيد عمر بر شاف فرمودند اين كدام ثنيه است صحابه عرض كردند ثنيه بر شاف است
فرمودند گوياء مي نيم يونس بن متى را بر نافقه سرخ موي مرغول سوار شده و بروي جبهه پشت است
و مهابه نافقه اش از پوست خرماسه است بتيك ميگويد انتهى - امام نووي در شرح حديث بناب ميفرمايد
اگر كسي گويد با وجوديكه حضرت موسى و حضرت يونس وفات يافته بدار آخرت رسيده اند و آن را
عمل نيت - پس چه طوره ميكنند و بلبينه ميگويند باز در جواب اين شبهه چند وجوهات
فكر ميكنند يكى از ان اينكه انبيا مثل شهيدان بلكه از شهيدان افضل اند و شهيدان زنده هستند
پيش پروردگار خود پس اين نيت اينكه حج كنند و نماز گذارند - چنانچه ذكر در حديث ديكر
شده است و تقرب جويند بر قدر كه توانستند و مير كه جز چنانچه اليه ان و ظاهر وفات يافته

صحيح مسلم صفحه ۹۸

گمراشتان در همین دنیا زنده هستند که در عمل است و وقتیکه دنیا فانی گردد و آخرت که طریقی
 است در پس و سبب عمل بهم منقطع خواهد شد - عبارت امام بلفظه اینست - فَإِنْ قَبْلَ كَيْفَتِ
 يُجْزَوْنَ وَيَكْلَبُونَ وَهُمْ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ وَكَيْسَتِ الدَّارُ كُلُّ قَاعٍ أَلَمْ أَنْ لَكُمْ شَيْخًا
 وَفِيمَا ظَهَرَ لَنَا عَنْ طَائِفَةِ الْجَوَابَةِ أَحَدَ هَآ أَتَوْهُمُ كَالْمُؤَدِّينَ كَالشُّهَدَاءِ أَيْلَ أَهْضَلُ مِنْهُمْ وَالشُّهَدَاءُ
 أَجْمَعُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ فَلَا يَبْغِدُونَ أَنْ يُجْزَوْا وَيُصَلُّوا كَمَا وَدَّ فِي الْحَدِيثِ الْآخِرَةِ وَأَنْ
 يَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا اسْتَطَاعُوا لَا تَنْفَعُهُمْ وَإِنْ كَانُوا أَقْدَرُ لَوْ قَفَّ أَقْفَهُمْ فِي طَائِفَةِ الدُّنْيَا لَتَنَى
 هِيَ كَمَا لَمْ يَحْلُ حَتَّى إِذَا قُنِيَ مَدَّ تَهَاوَى وَتَعَقَّبَهَا الْآخِرَةُ الَّتِي هِيَ حَامِلُ الْجَزَاءِ الْقَطْعُ أَعْمَلُ النَّبِيِّ
 وَدَرْشَكُوهُ إِذَا إِلَى هَرِيرِهِ مَرُورِي سَتَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى
 عَلَى عِنْدَ قَبْرِ يَوْمِي تَمِيعُهُ وَبِحَقِّ صَلَاتِي عَلَى نَبِيِّي أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ إِلَيْهِمْ فِي شُعْبِ الْإِيمَانِ
 فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيَكُونُ دُرُودُ خَوَانِدِ بْنِ نَزْرٍ وَفَرَمَنَ مَنْ شَنُومَ أَنْزَا وَكَسِيكَ
 اذْ وَدَرْشَكُوهُ سَتَاوَرَسَانِيْدِهِ مِشُومَ أَنْزَا - ودر جواب روایت سلیمان بن عیجم از شفاء
 قاضی عیاض نقل میکند - گفت سلیمان شرف شدم بر یارت رسول الله صلى الله عليه وسلم
 علیه وسلم در خواب - عرض نمود مردمانیکه پیش آن حضور حاضر شده سلام میکنند
 آنجا سلام ایشان می شنوند؟ فرمود بلی می شنوم و جواب میدهم عبارت دیگر
 وَعَنْ سَيْلَمَانَ بْنِ سُبْحَانَ مَا ذَكَرَهُ الْقَاضِي عِيَاضٌ فِي الشِّفَاءِ - قَالَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي النَّوْمِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَاكَ قُلْتُ
 عَلَيْكَ الْفَقْهُ سَلَامُهُمْ قَالَ لَعَمْرُكَ وَعَلَيْكُمْ - انتهى - ودر آخرت الهدایه
 فصل الع مشكوة از عمار بن یاسر رضی الله عنه روایت میکند - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عُمَارُ إِنَّ لِلَّهِ عَمْرًا وَجَلَّ مَلَكًا أَعْطَاهُ اللَّهُ سَمْعًا خَلَقَ لَهُ كَلِمًا
 وَهَوَّ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِ يَوْمِي إِذَا مِتُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْي أُمَّتِي لِيُصَلِّيَ عَلَيَّ
 صَلَوةً إِلَّا سَمِعَهَا يَا سَمِيْعُ وَإِسْمُ أَبِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ صَلَّى عَلَيْكَ فَلَا أَنْزَا أَفَلَا أَصَلَّى الرَّبُّ عَلَى
 ذَٰلِكَ الرَّجُلِ وَبَعَثَ رَجُلًا عَشْرًا مَرَّةً وَآلَهُ أَنْ يَقْطَعُوا - ترجمه - گفت عمار بن یاسر
 که فرمودند رسول الله صلى الله عليه وسلم اے عمار از جانب خداوندی یک فرشته ایست بر قبر من

ایستاده خدا تعالی ویرایش خواند خلافت مقرر کرده است از وقت وفات من تا روز قیامت
 پس سیکر از امت من در دوسه فرستد بر من نام فرستاده و نام پدرش میرد و میگوید فلان
 ابن فلان بر شما درود فرستاده است پس خدا تعالی عوض هر درود بر آنکس ده درود یعنی ده بار
 رحمت نازل می فرماید انتهی - و در مشکوٰۃ بحواله ابوداؤد و بیهقی از ابیهیره روایت میکند
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَى رَجُلٍ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ رُوحِي
 حَتَّىٰ أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ - ترجمه نیست هیچ یک از امت من که سلام میفرستد بر من مگر خدا تعالی
 روح مرا باز میفرستد جواب سلامش سید هم اگر کسی را ازین حدیث و هم پیدا شود که روح
 میخوابد مفارقت جسم را و این خلاف حیات است درازا لایق شبه علامه جلال الدین سیوطی رحمه الله
 درین باب رسالت نقل نوشته پانزده جواب تحریر کرده و از مجر واده اند منجمه آن اجوبه و جواب
 را با حفظ نقل کردن فی مے و انم در جواب رابع گفته لکنی المراد بِرَدِّ الرُّوحِ عَوْدَهَا بَعْدَ
 الْمَعَارَظَةِ لِلْبَدَنِ وَإِنَّمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْبَرَزِخِ مَشْغُولٌ بِأَحْوَالِ
 الْمَلَائِكَةِ مُسْتَعْرِفٌ فِي مُشَاهَدَةِ دَرَجَاتِهِ كَمَا كَانَ فِي الدُّنْيَا فِي حَالِهِ الْوَحْشِيِّ وَفِي
 أَوَقَاتٍ أُخْرَى فَعَبَّرَ عَنْ إِقَابَتِهِ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدَةِ وَذَلِكَ أَنَّهُ سَيُفْرَقُ بِرَدِّ الرُّوحِ
 ترجمه - مراد از روح اینست که بعد مفارقت جسم باز عود میکند بلکه مراد اینست که حضرت رسول الله
 صلی الله علیه وسلم در عالم برزخ در مشاهده تجلیات رب ال کائنات مشغول غافقانه از انحالت
 را بر روح تعبیر فرمود الوجوه الخمس ان یقال ان الرد یستلزم الاستمرار لان الزمان
 لا یتخلو عن مصل علی فی افطار الارض فلا یحکون کون الروح فی بدنم - ترجمه
 وجه خامس اینکه روح استمرار را میخواهد زیرا که هیچ زمانه خالی نیست که در اطراف زمین رود
 خواننده نباشد و علامه ابوالقاسم صبهانی در غیب ترمیم خود مؤید معنی بنابر روایتی دیگر
 از حضرت انس رضی الله عنه آورده است حیث قال عن انس قال قال رسول الله صلى الله
 في سلم من صلى على ميت في يوم الجمعة وليكة الجمعة قضى الله له مائة حاجة
 سبعين من خواصه الاخرة وثلثين من خواصه الدنيا وكل الله بذلك ملكا يدخل
 على قبري كما يدخل عليكم يا هذا يا ابن علي بعد موتي كعلي في الحياة درین

حدیث این جمله زیاد آورده است (ان علی بکد کوئی کیلکی فی الحیاته) یعنی حضرت
 رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرمایند بدستیکه علم من ابد وفات من مثل علم من حیات است
 و علامه جلال الدین سیوطی رحم در رساله خود که برائے اثبات حیات انبیا نوشته اند حدیثی از
 ابی هریره رضی الله عنه آورده که گفت شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم که میفرمودند
 بذاتیکه روح من در دست قدرت او است عیسی بن مریم و دواود و ابدا مد و بر من ایستاده اند و خواهد
 کرد که یا محمد جوابش خواهم داد و جبارت بکذا و آخر که ابو یعلی عن ابن عمر بن کعب سمعت رسول
 الله صلی الله علیه وسلم یقول و الذی نفسی بید کینز کن عیسی بن مریم تشهد
 یقوم علی قبری فقال یا محمد لا جنته انت هی - و در مشکوٰۃ است از عائشه صدیقہ
 رضی الله عنها قالت کنت اذ دخل بیتی الذی فیہ رسول الله صلی الله علیه وسلم
 و اکا و اضعه لی و اقول لایما هو زوجی و ائی فکلتا دین عمر معهما فوالله ما
 کحلت الا و اکا مشدودا علی ثیابی حیاء من عمر دوا و احمد ترجمه گفتم
 عائشه رضی الله تعالی عنها داخل می شدم در بیتیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مدفون بودند
 (یعنی و ابوبکر) و میگذاشتم پا پرچ (یعنی چادر) خود و بمل خود میگفتم جزین نیت که در خیابا
 زوج و پدر من هستند یعنی ضرورت حجاب شرعی نیت پس هرگاه کسی که عمر مدفون شد
 پس قسم بخدا داخل نشدم در آن خانه یعنی روضه شریف مگر با التیکه ثیاب من بر من بسته
 می بودند بوجهی از عمر آنها - ازین حدیث سند احمد نه صرف حیات سید الانبیا ثابت شد
 بلکه حیات شیخین رضی الله عنهما هم بثبوت پیوست - **تشمیه** بدان اصل حدیث است
 احادیثی که تا اینجا بقید کتاب در آمدند بعضی از آنها بدلات مطالبی مثبت مدعیان
 حیات انبیا را ندیند که در حدیث دوم این ماجرا جمله فنی فی الله و حی و زقی و در حدیث
 بی همتی جمله الا ننبیاء احیاء یصلون فی قبورهم واقع است و بعض احادیث بدلات
 التزامی مفید مطلب اند مثلا از حدیث اول ابن جریر نه بوسیله شدن اجسام انبیا بعد از وفات
 و از یک حدیث صحیح مسلم نه از خواندن حضرت موسی و از دیگر حدیث سناسک حج گذاردن حضرت
 موسی و حضرت یونس علیهما السلام و از حدیث بی همتی شنیدن آن سید الانام علیه علی آله

آله الصلوة والسلام کلام نایب آن بقعه ذی احترام و از حدیث دار قطنی پیش کردن فرشته
 نام خواننده درود شریف را مع نام پدرش و از حدیث سند احمد ضرورت پرده شریعی
 نه فهمیدن حضرت عایشه صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا از قبر شریف حضرت رسول اللہ صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم و قبر شریف حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ و باز ضرورت پرده
 دانستن و قنیت که قبر شریف حضرت عمر رضی اللہ عنہ هم در آن روضه شریف مقرر شد که اینهمه
 امور بجز لازم حیات و منافی حیات اند — اگر گوئی و قنیت که اجسام مقدسه انبیاء نیز زمین
 مدفون شدند — هزار بار سن ثواب بالاے شان انداختند باز حیات و لوازمش صوم و صلوة و عطا
 عقل میناید و شنیدن کلام و رتبه سلام چه طور باور نموده آید و لهذا علامه شمس الدین
 ابن قیم نیز در خلاص سلسله حیات انبیاء همین قسم مضمون در عقاید نامہ خود عیسیٰ قصیده نوین
 ادا کرده اند مثلاً میگوید: مِنْ فَوْقِهِ أَطْبَاقُ ذَاكَ الثَّرَابِ ۚ وَاللِّبْنَاتُ قَدْ
 عَمَّهَتْ عَلَى الْجِدِّ رَيْنِ ۚ كَوَيْكَانَ حَيَاتِي الصَّبْرُ حَيَاتُهُ ۚ قَبْلَ الْمَمَاتِ بَعِيرٌ مِمَّا
 فَوْقَانِ ۚ بَمَا كَانَ تَحْتَ الْأَكْمَافِ بَلْ مِنْ فَوْقِهَا ۚ وَاللَّهُ هَذَا اسْتَكْبَرَتِ الرَّحْمَنُ ه
 گویم دلیل عقلی بقایه نصیبی و حدیث نبوی نزد علمای محققین چه بود و حدیثین هرگز اعتیاد را
 نشاید و این چنین و بهم و تیس که فی الواقع و مسائل است در بکذا مقام یعنی و مخالفت اینجا
 سید الانام علیہ و علیہ آله الصلوة والسلام ادنی و قنیت ندارد و نمیشود حدیث
 متفق علیهم همین واروده است که مرده اندرون قبر و تحت ثراب آواز پالوش های
 واپس شوندگان می شنود — و در هیچ مسلم واروده که عمر بن العاص صحابی رضی اللہ
 تعالیٰ عنه در مرض موت خود وصیت فرمودند که مرا و قنیت که دفن کنی و برین ثراب
 اندازید بخت در تریج شدن شتر و تقسیم بودن گوشت آن بر قبرین مقیم باشید تا با شما
 انس گیرم و بنیم که چه مراجعت خواهیم کرد بارسل پروردگار خود — و در سند احمد از عمر بن
 محرق مرویست که دیدند مرا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بر قنیتیکه کرده فرمودند
 صاحب این قبر را اندامه — و علامه جلال الدین سیوطی در شرح الصدور مینویسند
 روایت کرده است ترمذی با سند حسن و بهم روایت کرد بهیچ و حاکم از ابن عباس رضی اللہ تعالیٰ

که بعض اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم بحالت بخیری بر قبر سیمه زنده ناکهان شنیدند
 که نذر و ن تبر شش سوره ملک میخواند و تمام کرد پس آن صحابی نزد آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم حاضر شده قصه عرض نمودند و ارشاد شد که این سوره نجات دهنده است نجات
 خواهد داد آن شخص را از عذاب قبر البته - بعد تطهیر احادیث را بجهت یکدیگر متفق علیه
 صحیحین و دوم مروی صحیح مسلم سیوم اخذ کرده سند احمد چهارم نقل نموده ترمذی و
 وحاکم و بیهقی است از تو میپرسم که چون این قسم شعور و حیات نسبت عام موات
 (خواه موقت باشد یا مؤبد) علی حسب اختلاف العلماء از احادیث صحیح نزد همه ایمان
 آرند کان بکلمة احمد ثانی علی صاحبها الصلوة و التحیة ثابت شده باشد باز در حیات انبیاء
 بعد از وفات که افضل اند از همه مخلوقات با وجود ثبوت ارشاد کسور کائنات صلی
 الله علیه وسلم شک آوردن و خصوص هر چه را بوجه مخالفت عقل ناقص خود گذشتن از
 راه راست روگردانیدن نذیب اعتزال اختیار نمودن است و مسلک علامه ابن قیم و
 استادشان علامه ابن تیمیة درین مسکله مسلک است فاسد و روشیست کاغذ گسار
 این بحث را در عقاید نامه علامه ابن قیم چند بار مطالعه کرده یک حدیثی هم موافق معانی
 شان نیافته است صرف دلائل عقلیه در خلاف این مسکله آرند یا بعض احادیث متمسک
 جمهور الضعیف میکنند و الا تاویل می نمایند قرآناً ان تذهب من ودا هذا الخیال
 و الا تکن معد و امان اهل الاعتزال - اگر گویی هر چند احادیث مذکور بر ثبوت
 حیات انبیاء خصوصاً حیات سید المرسلین و اجماع بر دوسر اعلیه و علیهم صلوات الله تعالی ناطق
 اند مگر وقتیکه آحادند معارض نتوانند شد بآیات قطعیات مثلاً اِنَّكَ مَيِّتٌ وَاَنْتُمْ
 مَيِّتُونَ و کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ و غیره که ثابت و فائز گوئیم اما اول آیات
 قرآنی بروفات و قتی و حیات عادی که لازم بهم انسانی است دلالت میکنند و احادیث
 بعد و قتی این وفات مثبت حیات اند فلما عارضه بینهما قال شیخ الاجل و المحمد الثمحل
 سواد شاه عبد الحق دبلوی رحمة الله علیه فی مدارج النبوة و اگر گویند که قرآن ناطق است
 بموت آنحضرت صلی الله علیه وسلم قال الله تعالی اِنَّكَ مَيِّتٌ وَاَنْتُمْ مَيِّتُونَ

جواب اول

ارادہ شنیدن اذان کروم مگر نہ شنیدم و اخراجہ ابو نعیم فی دلائل النبوة من رجب
 الآخر عن سعید بن المسیب قال لقد رأيتني كينا في الحجرة وما في مسجد
 رسول الله صلى الله عليه وسلم غيري وما يأتي وقت الظلمة الا سمعته
 الاذان من القبر ثم اتقدم فاقيم واصلي وان اهل الشام يذبحون
 ذمرا فيقولون انظروا الى هذا الشيخ المجنون - ترجمہ - ابو نعیم در دلائل
 النبوة بوجہ دیگر از سعید بن المسیب روایت کرده کہ گفتم دیدم خود را بجا التیکہ بنود
 در مسجد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کسے سوائے من نے آن وقت نماز مگر کہ سے
 شنیدم اذان از قبر شریف پس پیش می‌شدم و بکیرے گفتم نماز سے گذاردم و گر وہ اہل
 شام داخل شدہ میگفتند ببینید این شیخ بخون را انتہی من شیخ الصدور و شیخ
 المحمدین مولانا شاہ عبدالحمید دہلوی در جذب القلوب فرماید کہ قصہ شنیدن اذان سعید
 بن المسیب تا روز از قبر شریف نبوی شہورست - و در مواہب لدنیہ از شیخ
 ابوالعباس قسطلانی سے آرکہ ایشان وقتے بر حضرت بنی صلی اللہ علیہ وسلم یعنی در
 روضہ شریف داخل شدہ حضرت بنی صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند اخذ اللہ بیدک
 یا احمد و ہم روایتے از شیخ ابی السود مروایت کہ گفتم زیارت میکردم شیخ
 ابوالعباس وغیرہ صلواتی مصر را پس متبیکہ از ہمہ جدا گشتم و بذر مشغول
 گردیدم و فتوح کار شد ان گرفت نبو و شیخ من مجز بنی صلی اللہ علیہ وسلم و بمصافحہ
 مشرف می‌فرمود پس ہر نماز و نیز در مواہب از شیخ ابوالعباس جزار نقل مے کنند کہ داخل
 شدیم بجا رب پیش حضرت بنی صلی اللہ علیہ وسلم یعنی در روضہ شریف پس باقیم حضرت
 بنی صلی اللہ علیہ وسلم را کہ برائے اولیا اللہ فرمان ولایت تحریر مے فرماید و برائے
 برادر من محمد ہم فرمان نوشت عرض نمودم یا رسول اللہ مثل برادر برائے من نے
 نویسد فرمود آیت تو قہار شدن بخوای کہ در لغت ندلس طرے را میگویند و ازین
 معلوم شد کہ مقام ایشان دیگر بود - و ایضا در مواہب حکایت کردہ شدہ است از سعید
 نور الدین الایچی کہ ایشان در بعض مواقع زیارت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

باینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مقتول یعنی شهید شدند پس ندیده ترست نزد من از خود من
 یکبار باینکه شهید نشده اند زیرا که الله جل ثناؤه رسول الله صلی الله علیه وسلم را نبی گردانید و
 هم رتبه شهادت عطا فرمود ابراهیم را وی میگوید گمان میکردند که یهود حضرت نبی صلی الله
 علیه وسلم و حضرت ابوبکر رضی الله تعالی عنهما را زهر خورانیدند انتہی - و علامه جلال الدین
 در انتباه الاذکیاء تحریر فرمایند که در اکثر انبیاء با وجود نبوت و صف شهادت هم جمع بود
 است حیث قال و قل نبی الا و قد جستم مم النبوة و صفت الشهادة قد خلتون
 فی غلوم الاية - و اما راجع احادیث ثبتہ حیات انبیاء خصوصاً حیات سالار قافلہ
 ایشان رحمۃ العالمین صلی الله علیه وسلم و علیہم جمیع از درجہ احادیث حاو گذشتہ
 تا رتبه شہرت و تواتر معنوی رسیده اند گنگا قال خانہ المحدثین علائہ جلالہ الذین
 سیوطی فی انبیاہ الاذکیاء فاقول حیاة النبی صلی الله علیه وسلم فی قبری
 و سائر الانبیاء معلومہ عندنا من الاوکیة فی ذلک و تواتر خبر اکابر
 الدالہ علی ذلک - و اما ما ثبت حیات نبی الانبیاء خواجہ ہر دو سرا علیہ
 اکرم الصلوٰات اکملہا و من التسلیمات افضلہا در مشاہدہ ابرار و معاینہ اولیاء کبار
 در آمدہ محتاج بدلیس و موقوف بر برائے نمادہ - در سند دارمی مروی شدہ است
 کہ سعید بن السیب ایام حرہ کہ یزید پلید کسے نام مقول برائے غارت مدینہ طیبہ
 فرستادہ بود و ماسہ روز در مسجد نبوی اذان اقامت ہم نشدہ بود و از انجا مفارقت نشدند
 و چون وقت نماز میر رسید از قبر شریف نبوی صلی الله علیه وسلم آوازے شنیدند
 و نمازے گزارند عبارتہ الدارمی ہذا اخبرنا مروان ابن محمد عن سعید بن
 عبد العزیز قال لما کان اقام الحرة لم یؤذن فی المسجد رسول الله صلی
 الله علیه وسلم ثلاثا و لم یقم و لم یقرح سعید بن السیب من المسجد و کان
 لا یعرف وقت الصلوة الا انہ سمعہا من قبر النبی صلی الله علیه وسلم
 فذکر معناه - و این قصہ شنیدن اذان سعید بن السیب از قبر شریف بطریق
 مختلفہ در کتب متعددہ مروی شدہ فرمود مختارین علامہ جلال الدین سیوطی در شرح

جواب چہم

جواب پنجم

الصدور واخرجه سبيد بن السبيد انه كان يلازم المسجد ايام الحرة
 والناس يقتتلون قال فكنث اذا احانت الصلوة اسمع اذا ما يخرج من قبل
 القبر يعني القبر النبوي صلى الله عليه وسلم ترجمه روایت کرده است ابن سعد السعدي
 بن السبيد که اولاد مسجد نبوی بود در زمان جنگ حره و مردمان با هم جنگ میکردند
 گفت سعید بن السبيد و تنبیه که هنگام نماز میشد شنیدم اذان که از جانب قبر نبوی
 می برآمد و قال الويذ بن بكار في اخبار المدينة حدثني محمد بن عبد العزيز
 بن محمد وغيره عن بكر بن محمد انه لما كان ايام الحرة ترك الاذان
 في مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ثلثة ايام وخرج الناس الى الحرة
 وجلس سبيد بن السبيد في المسجد قال فاستوحشت وكنوت من قبر رسول
 الله صلى الله عليه وآله وسلم فلما حضرت الظهر سمعت الاذان في قبر رسول
 الله صلى الله عليه وآله وسلم فصليت ركعتين ثم سمعت الاقامة
 فصليت الظهر ثم جلست حتى صليت العصر سمعت الاذان في قبر
 رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ثم سمعت الاقامة ثم كما زال اسمع الاذان
 واوقامة في قبر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم حتى مضت الثلثة وقتل
 القوم ودخلوا المسجد وعاد المؤذن فاذا نوافست سمعت الاذان في قبر
 فكم استمعه ترجمه روایت است از بكر بن محمد وقت جنگ حره در مسجد رسول الله
 صلى الله عليه وسلم ناسه روز اذان نشنیدم ومان جانب حره نشنیدم و سعید بن السبيد در مسجد
 نبوی نشست گفت سعید مرا وحشت پیدا شد و از قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم نزدیکی
 شدم پس هرگاه یک وقت نماز ظهر رسید شنیدم اذان و از قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم
 و دور گشت نماز اگر دم پس اذان آواز تکبیر شنیدم و فرض ظهر خواندم پس نشستم تا آنکه
 نماز عصر خواندم شنیدم اول اذان پس قامت و برابر همین طور شنیدم اذان و
 اقامت در قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم تا آنکه سه روز گذشتند و قوم مقتول شدند
 و در مسجد داخل شدند و مؤذن باز پس رسید پس اذان گفت بعد از آن قصد در قبر نبوی

و فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم اِنِّیْ رَجُلٌ مَّقْبُوضٌ وَ صَدِیقُ الْکَبْرِ رَضِیَ اللہ تعالیٰ عنہ
 فرمود فَإِنِّیْ مَحْکَمٌ قَدْ مَاتَ وَاجْماع دارند است بر آن جوابش آنکه آنحضرت چشید
 در د موت و مرد و بعد از آن زنده گردانید حق تعالیٰ او را چنانکه در حدیث آمده است کہ من
 اگر محم نزو خدا کہ بگذارد و مراد قبر زیادہ بہر چہ روز و نیز آمده است کہ خدا تعالیٰ حرام
 گردانیدہ است اجساد انبیاء را بر ارض پس آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم زنده است بحیات
 جسمانی دنیاوی سبب نے کہ حیات داشت و این بحال است از حیات شہد کہ روحانی اخروی
 است انتہی مخصوصا بچنان امام المحدثین امام ابو بکر بیہقی در کتاب الاعتقاد سے نویسند
 اَلَا نَبِیَّاءُ بَعْدَ مَا قُضِيَ وَارَدَتْ اِلَیْہِمُ اَرْوَاحُہُمْ فَمِنْ اَحْیَاءٍ عِنْدَ رَبِّہِمُ
 کَالشَّہْدَاءِ - و علامہ شہاب الملہ والدین قسطلانی رحمۃ اللہ علیہ نیز در مواہب لدنیہ شبہ
 ہذا را ہمیں جواب نقل سے فرماید عبارتہ ہذا فَإِنِّیْ قُلْتُ الْقُرْآنُ نَاطِقٌ بِمَوْتِہِ
 عَلَیْہِ الصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ اِنِّیْ اَمْرٌ مَّقْبُوضٌ وَقَالَ الرَّضَیُّوْنَ فَإِنَّ مَحْکَمًا قَدْ
 مَاتَ وَاجْمَعُ السُّیَلُوْنَ عَلٰی اِطْلَاقِ ذٰلِکَ فَاجَابَ الشَّیْخُ نَعٰی الدِّیْنِ سَبْکَ
 بِأَنَّ ذٰلِکَ الْمَوْتُ غَیْرُ مُسْتَمَرٍّ لِأَنَّهُ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اُخِیَ بَعْدَ الْمَوْتِ
 وَ یَكُونُ نَقْلُ الْمَلِکِ وَ یُخَوِّمُ مَشْرُوطًا بِالْمَوْتِ الْمُسْتَمَرِّ وَلَا فَالْحَیَوۃُ الثَّانِیۃُ
 حَیَوۃُ اٰخِرَیۡہِ وَلَا شَکَّ أَنَّہَا اَعْلٰی وَ اَحْمَلُ مِنْ حَیَاتِ الشَّہْدَاءِ وَہِیْ قَابِلَةٌ
 لِلرُّوْحِ بِلَا اَشْکَالٍ وَقَدْ ثَبَتَ أَنَّ اجْسَادَ الْاَنْبِیَاءِ لَا یَبْکَلُیْ وَ عَوْدُ الرُّوْحِ اِلَیْ
 الْجَسَدِ قَابِلٌ فِی الصَّحِیحِ لِسَائِرِ الْمَوْتِ فَصَلَّاهُ عَنِ الشَّہْدَاءِ فَصَلَّاهُ عَنِ الْاَنْبِیَاءِ
 وَ اِنَّمَا النَّظَرُ فِی اَسْتِمْرَارِہَا فِی الْبَدَنِ وَ فِیْ اَنَّ الْبَدَنَ یُصْبِرُ حَیًّا کَحَالِہِ فِی الدُّنْیَا
 اَوْ حَیًّا بِذَوْنِہَا وَہُوَ حَقٌّ شَاءَ اللہُ تَعَالٰی فَإِنَّ مُلَادَ مَہِ الرُّوْحِ لِلْحَیَاتِ
 اَمْرٌ عَادِیٌّ لَا عَقْلَیٌّ فَہَذَا مَا یُجَوِّزُ الْعَقْلَ فَإِنَّ صَحَّیْہِ سَمِعَ اِثْبَعُ وَقَدْ كَرَّ
 جَمَاعَةٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ یَشْہَدُ لَہُ صَلَوةُ مُوسٰی فِی قَبْرِہِ فَإِنَّ الصَّلَوةَ تَسْتَدْرِجُ
 جَسَدًا حَیًّا وَ كَذٰلِکَ الصِّفَاتُ الْمَذْكُورَةُ فِی الْاَنْبِیَاءِ لِیَكَلَّ الْأَشْرَاءُ كُلُّہَا
 صِفَاتُ الْاَجْسَامِ اِنْتَهٰی مَحْتَصِلٌ خِلَاصَہُ تَرْجِمَہُ عبارت مواہب این است و فاتی کہ

از آیت ثابت است و قات دوائی است تا تعارض واقع شود با حدیث مشهور
 و حضرت نبی صلی الله علیه و سلم زنده کرده شد و بعد وفات و بهین سبب منتقل نشد ملک
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم جانب ورثه و این حیات قوی است از حیات شهید و بلا شبهه
 بثبوت پیوسته که اجساد انبیاء پوسیده نمیشوند و عود کرده و روح در تمام اموات ثابت
 است چه جائی شهید افضل است عن الانبیاء البتة در استمرار روح کلام هست و هر گاه هیچ کس از
 دلیل همی حسب تصریح علماء استمرار روح در انبیاء بشاید حیات دنیا ثابت شد اعتبار
 لازم است و نماز گذاردن حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام در قبرش باید مسلم است
 زیرا که او انگی نماز جسم زنده را میخواهد و همچنان جمیع صفات مذکوره در انبیاء و در شب اسرار
 صفات اجسام انداخته مخصوصاً و اما ثانیاً چون بالاجماع انبیاء افضل اند از شهید پس
 فضیلتیکه در شهید خواهد بود در انبیاء بدرجه اولی خواهد بود و حیات که برائے شهید از
 نفس کلام الله بطور عبارتة النفس ثابت است برائے انبیاء بطریق اقتضای انقضای ثابت
 خواهد بود و الاختلاف اجماع لازم خواهد آمد و بهذا صرح جمهور العلماء سیما طائفة المتأخرین
 الاقبا و اما ثالثاً پس آنکه حیات حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه و سلم بوجه تحقق
 صریح شهادت از صدمه مسوئیت که زنیه یهودیه در شاة مصلیه داده بود از نفس فطری
 و آیت قرآنی عبارتة النفس هم ثابت است چه که در بخاری شریف از حضرت عائشه صدیقه
 رضی الله عنها مرویست که فرمودند حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم در مرضیکه وفات
 یافتند یا عائشه ما ازل احدى لكم الطعام الذى اكلت من قبل و هذا اوان
 انقطاع آخری من ذلك السیم یعنی اے عائشه همیشه می یافتم که طعامی که
 در خیمه خورده بودم و حالامری یا بم انقطاع رگ حیات خود از ان سم است که در منسند
 احمد از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه مرویست قال لان اكلت من طعام رسول
 الله صلى الله عليه وسلم فكل قسيدا احب الي من ان اكلت واحدة اكلة
 لم يقتل ذلك بان الله جعله نبياً و انخله شهيداً قال ابن ابي عمير و كانوا
 يرون ان اليهود سموا و ابا بكر ترجمه فرمود عبد الله بن مسعود اگر نه بار سوگند عمر

جواب دوم

جواب سوم

بعض احادیث بطور روایدر نام از حضرت سید الانام علیه و علی له الصلوٰۃ والسلام
روایت کرده اند و بعضی احادیث بعد مشاهده روح کریم از ان حیات النبیه علیه صلوات
ربلی بوسیله بعضی اساتذہ اخذ نموده چنانچه در حدیث سی و شصت از شیخ محمد بن محمد بن
خطاب روایت میکنند که برائے زیارت حضرت بنی صلی الله علیه وسلم هر کس با عارف
بالکد شیخ عبد المعطی ثونسی فرستیم هر گاسیکه قریب روضه شریف رسیدیم پیاده پا
کردیم شیخ عبد المعطی چند قدم میرفت توقف میکرد تا آنکه ایستاد پیش قبر شریف کلام
کرد که ما نه فهمیدیم چونکه واپس شدیم از سبب توقف چند جا سوال کردیم جواب داد
رسول الله صلی الله علیه وسلم در حاضر شدن خود از من طلبیدم چون ارشاد میشد که بیا
ساعتی میرفتم و باز من ایستادم تا آنکه رسیدم و عرض کردم یا رسول الله صلی
الله علیه وسلم هر چه اقام بخاری از انجناب روایت کرده صحیح است فرمود در صحیح است از عمر بن
مؤدوم روایت کنم بخاری را از انجناب ارشاد شد روایت کن انتم مختصرا بعد ازین
مولانا محدوح حنیف فرماید که یافتیم این حدیث را بخط شیخ عبد الحق دهلوی با سند دس و دیگر
از شیخ عبد المعطی بهمن حسن و در ان بقدر زیاده است هر گاسیکه فارغ شد از زیارت
و مایه خلق به حاضر نمود که از انجناب صحیح بخاری صحیح مسلم روایت کند یعنی درین روایت
و که صحیح مسلم هم موجود است تبرکات و سند اصل حدیث از رساله بقطعه نقل نموده میشود
أَخْبَرَنَا الْفَائِزُ بْنُ الْفَائِزِ وَ الثَّوْلُونُ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو طَاهِرٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَحْمَدُ بْنُ
أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّيِّدُ السَّنْدُ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَادِرٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ بِهَمَّ الدِّينِ
الْقَبْرَوَانِيُّ عَنْ شَيْخِهِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَطَّابِ الْمَالِكِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا عَمِّي الشَّيْخُ بَرَكَاتُ الْحَطَّابِ
عَنْ وَالِدِهِ عَنْ جَدِّهِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَطَّابِ شَارِعِ مَخْتَصَرِ الْخَلِيلِ
قَالَ مَشَيْتُمْ مَعَهُ شَيْخُنَا الْعَارِفُ بِاللَّهِ الشَّيْخُ عَبْدُ الْمُعْطَى الْوُثْقِيُّ لِرِزْقَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا قَرَبْنَا مِنَ الرُّوضَةِ الشَّرِيفَةِ تَرَجَّلْنَا بِجَعْلِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْمُعْطَى بِمِثْقَلِ خَطَايَا
وَبَقِيَ حَتَّى وَقَفَتْ بِنَاهِ الْقَبْرِ الشَّرِيفِ فَكَلَّمَهُ بِكَلَامٍ لَمْ نَفْقَهُمْ فَلَمَّا انْصَرَفْنَا سَأَلَنَا عَنْ
عَمِّي وَقَفَاتِهِ فَقَالَ كُنْتُ أَطْلُبُ الْأَذْنَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَمْتُ

فی القُدومِ علیکِ فاذا قال لی اقدم قدیمت ساعة ثم وقعت وهكذا حتی وصلت
 الیه فقلت یا رسول الله اکلمنا ذاک البخاری عنک صحیح فقلت
 کذا اروی عنک یا رسول الله قال اروه عَنی وقد اجاز الشیخ عبد المعطی نفعنا الله
 به الشیخ محمد خطاب ان یرویه عنه وهكذا کلا واحد اجاز من بعدہ و اجاز السید
 احمد بن عبد القادر للخلی یرویه عنه بهذا السند و اجاز الخلی لابن طاهر و اجاز
 ابو طاهر لیا فقلت و وجدت هذا الحديث بخط الشیخ عبد الحق الدهلوی باسناد
 له عن الشیخ عبد المعطی معناه و فیه فلما فرغ من الزیارة و ما یتعلق بها سألته
 ان یروی عنہ صلی الله علیه و سلم صحیح البخاری و صحیح المسلم بسبع الاجاز
 من النبی صلی الله علیه و سلم ف ذکر صحیح مسلم ایضاً انتہی و حضرت قطب العالم شیخ
 عبد القدوس گنگوہی حشمتی صابری قدس سرہ در مکتوب صد و خیم تحریر فرماید
 کہ حضرت شیخ المشایخ خواجہ عثمان مارونی رضی اللہ عنہ خواجہ خواجگان مرشد مرشدان
 خواجہ معین الحق ولدین رضی اللہ تعالیٰ عنہ وارضاه عنا را زیارت روضہ رسول المصلی
 المد علیہ وسلم مشرف گردانیده فرمود اے فرزند رسول المصلی المد علیہ وسلم را سلام کن
 حضرت خواجہ رسول المد علیہ وسلم را سلام کرد و گفت السلام علیک یا رسول اللہ
 از روضہ رسول المصلی المد علیہ وسلم جواب سلام آمد علیکم السلام یا قطب المشایخ و صاحب
 ولایت ہند انتہی۔ و در جذب القلوب حضرت شیخ الفخیرین شیخ عبد الحق دہلوی تحریر
 میکنند کہ ابن بخارا از ابراہیم روایت میکند کہ یک سال حج کردم و برائے زیارت رسول
 المصلی المد علیہ وسلم در مدینہ طیبہ حاضر شدہ نزد یک قبر شریف رفتہ سلام عرض کردم
 آواز آمد و علیک السلام انتہی۔ و اما سادسا علاوہ مشاہدہ ابرار و معاینہ اخبار دیگر
 عجایب معجزات و غرائب خوارق عادات روضہ حضرت اشرف المخلوقات علیہ و سلم
 الہ الصلوٰۃ و التحیات منقول شدہ اند کہ بحیات صاحب معجزات سرور کائنات ولادت
 میدانند چنانکہ محدث دہلوی در جذب القلوب قصہ سلطان نور الدین نقل میکنند کہ در
 سنہ پنجم و پنجاه و ہفت ہجری سلطان مذکور شدہ مرثیہ رسول المصلی المد علیہ وسلم را

در خواب دید که جانب دو کس اشاره فرموده ارشاد میکنند که از شتران کسان مرا خلاصی ده
 سلطان بفرست در یافت که در مدینه منوره امری غریب پیش آمده باشد که موجب اذیت
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم گردیده است فی الفور به شتران تیز رفتار مح لشکر و مال بسیار
 روانه شده در مدینه منوره رسید آخر الامر آن دو کس را که خواب صورت ایشان شناخته بود
 گرفتار کرد و تعقیبش معلوم شد که قریب روضه شریف در رباطی بصورت عابدان قیام کرده
 زمین را سائے کنند و میزد و میخواستند تا قریب قبر شریف رسید جسم اطهر را نیز رسانند
 و این هر دو شخص نصرانی بودند سلطان هر دو را گرفتار نموده بقبل رسانیده در آتش سوخت
 و گرد روضه شریف خندقی عمیق کندیده از شیشه پر کرد حضرت محبت دهلوی مینویسد
 که همه مورخان مدینه مثل جمال الدین فیروز آبادی قصه نقل نموده بهم در جذب القلوب
 است از تاریخ بغداد مصنف ابن بخاری که یکم از امر اوجب سیدیه که حاکم مصر و قاهره بود
 بوجه اغوا بعضی مدعیان اراده کرد که اجسام طاهره و اجساد مقدسه رسول الله صلی الله
 علیه و سلم و شیخین رضی الله عنهما از مدینه منوره برآورده در مصر دفن کند تا باعث رونق
 دیار مصر شود و آن بلا در مرجع عالم گردید چنانچه معتمد خود ابو الفتح نام را بر اسم این کار
 متعین کرد و تسمیه ابو الفتح در مدینه رسید در همان شب چنان هوای تیز وزید
 که تمام زمین ته و بالا گردید و شتران و اسبان معزین پالان می افتادند و بوجو شدت
 هوا بر زمین می غلطیدند ابو الفتح چون این حال دید بسیار خائف شده ازین خیال محال
 تائب گردید و نیز در جذب القلوب از ریاض النضره مصنفه محب طبری می آرد که در فضل
 حلب در مدینه منوره رسید با حاکم مدینه که از بس طامع بود سازش نمودند و بسیار تحالیف
 و پاداندرش کردند تا اجازت داد که وقت شب مسجد نبوی هر چه خواست بکنند ایشان
 قریب چهل تن بودند آلات کنیدن یعنی کدال و بیل و کند و غیره گرفته رفتند و خواستند که
 اجسام مقدسه حضرت شیخین رضی الله عنهما را از قبر شریف برارند چون قریب زیارت عثمان
 رسیدند همه را در زمین حنفت شدند و بجهنم واصل شدند و اما سابقا چون حیات برگزیدگان
 ائمه محمدی علی صاحبها الصلوات و التحیته که در هر امر تابع و پیرو سلاله قافله خودند و بهر کس

اتباع آنحضرت صلی الله علیه و سلم رسیدند بر آن مقام که رسیدند از شهادت تقویه و شجرات
 متکاثره بثبوت پیوسته باشد باز در ثبوت حیات لکس این است و سالار این قافله که ترویج
 و مقصود از هر موجود است شک آوردن هم نصوص صحیح را در پس انداختن راه نادانی
 اختیار نمودن و طریقه محرمی پیچیدن است فخر المتأخرین علامه جلال الدین سیوطی در
 شرح الصدور میفرماید قال النبی صلی الله علیه و سلم قد روی فی التکلم بعد الموت جماعة ما سئلت
 حیمه عن آخره هو و ابن ابی الدنیا عن عبد الله بن عیسیٰ قال لا نصاری ان
 رجلاً قتل مسلماً ثم نکلم فقال محمد بن رسول الله ابو بکر الصديق عثمان
 اللین الرحیم لا ادری انس قال العمر - وأخرجه البیهقی من وجه أخر عنه قال
 یکنها هم یوارون القتلى يوم صفین أو یوم الجمل اذ تکلم رجلاً من الانصار من
 القتلى فقال محمد بن رسول الله ابو بکر الصديق عمر الشهيد عثمان الرحیم
 ثم سکت وأخرجه البخاری فی تاریخه عن عبد الله بن عیسیٰ قال لا نصاری قال
 كنت فیمن دفن ثابت بن قیس بن شماس کان اُصیب یوم الیمامة فاکتفأ ادخلنا
 قبره سمعنا یقول محمد بن رسول الله ابو بکر الصديق عمر الشهيد عثمان اللین الرحیم
 فظننا انک فاذ اهلوا به - ترجمه گفت یحیی از جماعت با سینه صحیح روایت کرده
 شده است که بعد از موت کلام کردند چنانچه یحیی و ابن ابی الدنیا از عبد الله بن عیسیٰ
 الانصاری روایت میکنند که شخصی از قتلی سئید کلام کرد و گفت محمد رسول الله ابو بکر
 صديق عثمان رحیم است و یحیی از وجه دیگر از عبد الله بن عیسیٰ الانصاری
 روایت کرده که وقتی که مقتولین را یوم صفین یا یوم الجمل در خاک پوشیدند میگویند
 ناگهان شخصی از مقتولین انصار کلام کرد و گفت محمد رسول الله ابو بکر الصديق عمر الشهيد
 عثمان الرحیم پستتر خاموش گشت و آورده امام بخاری در تاریخ خود از عبد الله بن عیسیٰ
 الانصاری گفت بودم در کسانیکه دفن کردند ثابت بن قیس بن شماس را و او زخمی شده
 بود روزی که پس هرگاه که داخل کردیم او را در قبر شنیدیم میگوید محمد رسول الله ابو بکر
 الصديق عمر الشهيد عثمان اللین رحیم چنانکه او دیدیم مرده بود و هم در شرح الصدور

قَالَ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعْبِ الْإِيمَانِ ثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ حَدَّثَنِي أَبُو اسْمَاقٍ إِبْرَاهِيمُ شَنَا
 اسْمَعِيلُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَازِمٍ السَّلْمِيُّ ثَنَا حُشَنَامُ الْمُفْتَا بَارِي عَنْ أَبِي عَزْرٍ حَدَّثَنَا أَبِي بَرَكَاهِيمُ وَكَانَ
 قَاضِي نِيشَا پُورٍ وَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ عِنْدَ هَذَا حَدِيثًا عَجَبًا فَقَالَ يَا هَذَا وَمَا
 هُوَ قَالَ عَلِمْتُ فِي كُنْتُ رَجُلًا نَبَأَ شَأْنِ ابْنِش الْقُبُورِ فَأَتَتْ امْرَأَةً فَذَهَبَتْ لَا تَعْرِفُ
 قَبْرَهَا فَصَلَّيْتُ عَلَيْهَا فَلَمَّا جَنَّ اللَّيْلُ ذَهَبَتْ لَا ابْنِش عَنْهَا وَضَرَبَتْ بِيَدِي إِلَى كَفَنِهَا
 لَا سَلَمَ لَهَا فَقَالَتْ سُبْحَانَ اللَّهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَسْلُبُ مِنْ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 ثُمَّ قَالَتْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّكَ مِمَّنْ صَلَّيْتُ عَلَيْكَ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَظَّمَ لِي عَنْ صَلَاتِي عَلَيْكَ -
 ترجمہ - روایت مست از ابی ابراہیم قاضی نیشاپور شخصے نزد سے آدم مردمان گفتند
 قصہ عجیبے گوید قاضی پر سید جواب داد کہ من نباشم دوم کفن سے درویدم زن نے
 مرد پس میں ارادہ فرمتم کہ قبر ویرا سے شناسم و نماز جنازہ گزار دوں چون شب تاریک شد
 برائے دروئی کفن فرتم و جانب کفن بہت اخڑوے دست انداختم زن مردہ گفت
 سبحان اللہ مرد سے جنتی از زن اہل جنت کفن سے درویدم پس گفت نمیدانی جنازہ من
 نماز گزار دی و خدا سے بزرگ جملہ نماز گزارندگان جنازہ مرا بخشید اگر کوئی در حیات
 انبیاء و حیات شہداء چه فرق است گویم فرمتے بسیار و تفاوتے ست بشمار حیات
 شہداء حیات روحانی ست و حیات انبیاء حیات روحانی و جسمانی حکام عن حدیث
 البیہقی ان الارض لا تأکل اجساد الانبیاء یعنی زمین اجساد انبیاء را نمی خورد و ہمین
 وجه موجودہ خواہد بود برائے عدم انقطاع نکاح انبیاء و نہ تقسیم بودن ترکہ ایشان بخلاف
 شہداء کہ ترکہ شان بقتیم میگردد و نکاح از واج شان درست میشود اگر کوئی حدیث
 بیہقی کہ (الانبياء لا يتركون في قبورهم بعد ان يعين ليكة ولكمهم فيهاون بين
 يدى الله حتى ينفخ في الصور) برستمر حیات انبیاء در قبر دلالت نمیکند بلکہ از میں
 حدیث معلوم میشود کہ انبیاء صرف پہل روز در قبور سے باشند بعد از ان پیش پروردگار
 خود تاقیام قیامت نماز میگذارند و بخلاف ما دینا گویم میں حدیث بیہقی
 معارض نہ تواند شد بحدیث صحیح مسلم (مروءت بنحوی) و هو قائم یصلي في قبره

که برجیات حضرت موسی علی نبیا وعلیه الصلوٰۃ و السلام در قبر تا زمان برکت نشان نبی
آخر الزمان علیه الصلوٰۃ من الرب المنان دلالت میدارد و همچنین دیگر احادیث بهیچ
و غیره که در ابتدائے رساله منقول شده اند مثبت حیات انبیاء در قبر اند - و هذا آخر الكلام
فی هذا المقام و صلے اللہ علی رسولہ و خیر خلقہ سید الانام و علی آلہ و صحبہ الکرام -

تقریظ مولانا مولوی عبدالسلام صاحب

امام مسجد شمله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعِمَ وَعَلِمَ الْبَيَانِ مَا أُنْعِمَ وَالصَّلَاةُ وَالْ
وَالسَّلَامُ عَلَى حَبِيبِهِ وَرَسُولِهِ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ مَصْنُوعِ
الْفِكْرِ الْبَالِغِ الْيُغَيِّرُ بِنِدْوَةٍ ضَعِيفٍ وَكُنْهَامِ رَاجِي عَفْوِ رَبِّ الْأَنَامِ مُحَمَّدٍ عَبْدٍ عَجَبِ السَّلَامِ
الْكَاشِمِيِّ وَطَنًا وَاسْتَفْنَى نَدْبًا وَحِشِّي النِّظَامِي الْفَخْرِي الْبِنَايُ مَشْرُوعًا عَفْوًا لِعَدْنِهِ
عَنِ الدِّيَةِ وَحَسَنِ الْبَهَا وَالْيَدِ كَهَرَارِ بَابِ عَقُولِ وَاصْحَابِ فُحُولِ مَحْبُوبِ بَابِ كِهْ رَسَالَةِ نَدْوَةِ
تَبَشِيرِ الْأَصْفِيَاءِ بِإِثْبَاتِ حَيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ رَسَالَةِ اَيْتِ كِهْ دَلَالِ وَاثْقَاتِ بِنْيَانِ مَرْصُوعِ
صَحِيفَةِ اَيْتِ كِهْ بَرَامِي قَاطِعِ اَشْخَابِ رُفُوعِ رُفُوعِ اَيْتِ اَزْمَارِ نَظَارِ حَقِّ اَزْمَارِ كِهْ
اَشْپِيدِ - وَوَجْهِ اَيْتِ كِهْ اَشْمَارِ اَنْتِصَارِ دِينَ حَقِّ مَطْلُوقِ اَزْمَارِ لَفْظِشِ هُوِيْدِ - كَيْفَ لَا
كِهْ مَوْلَفِشِ عَالَمِ عُلُومِ مَنَقُولِ مَعْقُولِ وَاقِفِ فَنُونِ فُرُوعِ وَاصُولِ جَامِعِ الْوَارِثِ -
قَاطِعِ اَشْجَارِ عِلْمِ حَقِّ جَلِيلِ حَرَمِ نَبِيلِ - مَوْصُوفِ بَاوَصَافِ سِجْدِ رُوحِ مَوْلَانَا مَوْلَا
مَشْتَقِ اَحْمَدِ اَوْجُوْجَانِ سَجَلِ اَلْبَدِ الْمَعْرُوفِ رَاسِ اَلْهَدْيِ وَالْعَقْلِ اَصْلِ دِيْنِهِ وَالْعِلْمِ سَلَامَةِ الْفَقْرِ فَرْدِ
وَالْتَقْوَى حُرْفَةِ الْيَقِيْنِ قُوَّةِ وَالحِكْمَةِ عِفْتِ اَلْوَفَا طَبْعِهِ وَسَلْمِ رَبِّ اَمِيْنِ اَنْجِيْهْ كِهْ بَيَانِ
بِنِصُوصِ بَرَّانِ عِيَانِ نَمُوْدِ بَحَاثِ بِشِيْكَ اَنْبِيَا دَرْ قُبُوْرِ نَا مِيْكَدَارِ نَدْوِ حَقِّ اَنْدِ بَايْضِ
حَضْرَتِ سَيِّدِ الْبَشَرِ صَلَّيْ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كِهْ اَفْضَلِ خَاتَمِ جَلَالِ زَنْدِهْ اَنْدِ حَيَاتِ الرُّوحِ وَ
صَحِيْحِ اَحْسَمِ نَوْعِيْكَ ثَبُوْتِ رَسَانِيْدِ عِلْمِ مَوْلَا رَسَالَةِ اَقُوْلُ اَنَا وَالتَّعَقُّدُ اَكْثَرُ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُنْ فِي قَبْرِ كُلِّ سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَإِنْ لَمْ يَرَوْا حُجَّتَهُ
 تَعْلُقًا بِالْعَالَمِ الْعُلَوِيِّ وَالسُّفْلِيِّ كَمَا كَانُوا فِي حَالَةِ الدُّنْيَا فَهُمْ بِحَسْبِ الْقَلْبِ عَرَشِيُّونَ
 بِاعْتِبَارِ الْقَالِبِ فَرَشِيُّونَ وَحَيَاتُ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انْتَبَهَتْ وَأَقْوَمَتْ
 الْقَاضِي نَازِلُ أَبُو جَعْفَرٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَا لَكَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فَقَالَ لَهُ مَا لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَرَفَعُ صَوْتَكَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ يَا رَسُولَ اللَّهِ نَكَسًا
 أَذْبَقَ قَوْمًا فَقَالَ لَا تَرَفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَمَدَحَ قَوْمًا فَقَالَ إِنْ
 الْكَافِرِينَ يَعْصُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَذَمَّ قَوْمًا فَقَالَ إِنْ الْكَافِرِينَ يُنَادُونَكَ
 مِنْ دُونِ الْحُجَّاتِ وَبِأَن حَرَمْتَهُ مِثْلًا كَحَرَمَتِهِ حَتَّى فَاستَكْبَانَهَا أَبُو جَعْفَرٍ وَقَالَ
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اسْتَقْبِلِ الْقَبِيلَةَ وَادْعُوا أُمَّرَأَتَيْ قَبْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فَقَالَ وَلَمْ تَصْرِفْ وَجْهَكَ عَنْهُ وَهُوَ وَسِيلَتُكَ وَوَسِيلَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلِّ اسْتَقْبَلَهُ وَاسْتَشْفَعَهُ بِهِ فَيُشْفَعُكَ اللَّهُ - ترجمه - مناظره کرد و ابو جعفر
 ابراهیم بن علی بن ابی طالب را که در مسجد رسول الله علیه و سلم ایستاده و بر امام مالت ایستاده
 بلند کن آواز خود و درین مسجد بنده ای که استدعا نگاه کرد و او را نود و نوبت را پس گفت بلند کنید که از جویون بی
 علیه و سلم و مدح کرد قومی را پس گفت تحقیق آنکسانیکه است گفتند آواز خود و جعفر بن محمد رسول الله علیه
 و سلم و ذم کرد قومی را پس گفت تحقیق آنکسانیکه نه گفتند از بیرون حججه رسول الله علیه
 علیه السلام را بانه را به تحقیق ثابت است حرمت نبی صلی الله علیه و سلم
 در حالتیکه ذائقه موت چشیده و تبدیل کان بود و نه حرمت حیوة و نبوی که اندم و انفت
 موت چشیده بود پس از زید و ترسیه ابو جعفر و گفت ای ابو عبد الله استقبال قبله نمود
 دعا کنم یا استقبال رسول الله صلی الله علیه و سلم پس گفت امام بخلیفه منصور چرا روی
 گردانی از رسول الله صلی الله علیه و سلم بطرف کعبه در حالتیکه و صلی الله علیه و سلم
 وسیله است و وسیله پدر تو آدم علیه السلام است تا یوم قیامت بلکه توشیح از کعبه
 بر رسول الله صلی الله علیه و سلم و طلب شفاعت کن آن رسول الله صلی الله علیه و سلم شفاعت قبول کن
 ترا الله تعالی پس برابر باب اول الباب ظاهر است که نبی صلی الله علیه و سلم زنده اند و

نس و شایسته علی علیه السلام بود حاجت استقبال رسول الله صلی الله علیه و سلم
 بود که بطرف روضه منوره متوجه شود و محقق حقائق شریعت مبتین و قایق طریقت
 علامه العلوم شیخ محی الدین ابن العربی قدس الله تعالی سره در تفسیر خود مینویسد و الرسول
 صلوات الله علیه مرتبه کل متدین بدین در دین و حقیقتی که الی هو علیها من دین و حجت
 الذی هو به محبوب عن کمال دین و به معرفت دین و به وحدود ایمانهم و اعمالهم و
 حسناتهم و سیئاتهم و اخلاصهم و نفاقهم و غیر ذلك بنور الحق و اتمه یعرفون
 ذلك من سائر الامم بنوره صلی الله علیه و سلم و همچنین خاتم المفسرین شاه
 عبدالعزیز دهلوی قدس الله سره العزیز در تحت آیه و یشکون الرسول علیکم کرم الله
 وجهه مینویسد یعنی باشد رسول شما را گواه زیرا که او مطلع است بر نبوت بر مرتبه
 بدین خود که در کدام درجه از دین من رسید و حقیقت ایمان و صیست و حجابیکه بدان از
 ترقی مانده است کدام است پس او می شناسد گناهان شما و درجات ایمان شما را و
 نیک و بد شما را و اخلاص و نفاق شما را فقط پس از لفظ ایشانند و از لفظ نور نبوت ظاهر
 و باهر است که و سه صلی الله علیه و سلم حیات اند قائل اللهم اغفر لنا ولاخواننا
 الذین سبقونا بالايمان واعف عنا و تجا و زجیات نبیک الکریم اقلک
 کتبه من کتبه الی صراط مستقیم

کتابه فقیر محمد عبد الله عفی عنه و ارثی ابن ابی حمز الحارثی الشریفی مولی فضل آلهی صاحب ابد الله
 بالفیوض اللاتناهی ساکن قریه کوثر و ارث از صفات و ذریه

تقریر

مولانا مولوی غلام محمد صاحب ہوشیارپوری

نحمدہ اللہ وحدہ ونصلی علی من لانی بعدہ۔ اما بعد

فما فی ہذہ الرسالۃ الّتی اتّفقوا الوقت نکات المتقول

والمتقول العربی لغو امض العتروع والاصول المتکی

المتوحّد مولانا الحافظ مولوی مشتاق احمد علیہ السلام

الاحد مقرون بالحق والصواب مقبول عند

اولی الالباب ولا تلہا شیئۃ المرام وبرایہ بنیہا

اتیقّت النظام اللہم اجعلہا نافعۃ للمسلمین ودفعۃ

لشبهۃ الضالین۔ آمین۔

خادم العلماء فقیر غلام محمد ہوشیارپوری عفی اللہ عنہ

کتبہ اشتقاق احمد خان عفی عنہ ساکن شہر میٹھ تلمیذہ حبیبی محمد حسین صاحب

٢٨٢

DUE DATE

٢٩٤٥٢٥

٢٣/٤٢

٢٩٤٥٢٥ ٢٣٤٢ ٢٨٢ ت

٢٩٤٥٢٥ ٢٣٤٢ ٢٨٢ ت

تبشیر الاصفياء باتتبات حياة الربیة
Date No. Date No.